

دستان هنرمند دختران محله امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> عروسک‌های آهوانه را با نیتی آسمانی برای دختران عراقی آماده می‌کند

## حکایت دل‌های گره خورده بین مشهد و کربلا

ساده می‌بیند؛ او آن‌ها را نماد رأفت امام رضا<sup>(ع)</sup> و نشانه همبستگی میان شهروندان کشورهای اسلامی می‌داند.

### ● ○ روایتی از دل‌های گره خورده

دخترانی که در این طرح شرکت کرده‌اند، هر کدام دنیایی از انگیزه دارند. معصومه دهقان که از جوانان فعال محله امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> است، می‌گوید: اطلاع‌رسانی مشارکت در این برنامه را در کانال بسیج شهید ابراهیم هادی مسجد امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> دیدم و بدون معطلی، سر ساعت خودم را به اینجا رساندم. انگیزه من مشخص است؛ چون می‌دانم این هدایا مستقیم به دست زائران کربلا و میزبانان عراقی می‌رسد، با کمال میل و از روی علاقه آمدم.

مینا قربانی نوجوان دیگری است که با دقت تمام مشغول دوخت و دوز است. او چنان با وسواس کار می‌کند که می‌گوید می‌خواهد چندتایی هم با خودش به خانه ببرد تا در خلوت خانه و با آرامش بیشتر کاملشان کند.

آیدا سارانی و دختر عمویش، آیناز سارانی، از آن دسته شرکت‌کنندگان وفادار هستند که سومین سال پیاپی است در این طرح شرکت می‌کنند. در نهایت، زینب گوهری که دومین سال حضورش را تجربه می‌کند، داستانی تأثیرگذار از نیت درونی‌اش تعریف می‌کند: من و خواهرم سال گذشته هر کدام پنج عروسک در خانه دوختیم و تحویل دادیم. امسال، من این عروسک‌ها را با نیت بچه‌های شهید میناب می‌دوزم.

تنها حدود دو هفته از آغاز رسمی طرح می‌گذرد و با همت امثال همین بچه‌ها تا به حال حدود ۸۰ هزار عروسک آهو در سطح شهر آماده کرده‌ایم که رقمی باورنکردنی است.

راضیه خیرخواه، مربی پایگاه بسیج مسجد، همچون مادری مهربان مراقب تک‌تک بچه‌هاست. هرکس کم و کسری داشته باشد، از نخ و سوزن گرفته تا پارچه و پنبه، کافی است به او بگوید تا بلافاصله وسایل در اختیارش قرار بگیرد.

مدیر فرهنگ سرای بهرمان نیز که از نزدیک برون‌کار نظارت دارد، توضیح می‌دهد: متولی اصلی طرح آهوانه در سطح شهر مشهد، فرهنگ سرای بهرمان است. ما با توجه به درخواست‌ها و استقبال مساجد محلات مختلف، مواد اولیه را برای آن‌ها تأمین می‌کنیم.

زهرا محمدی نیک این عروسک‌ها را فراتر از یک اسباب بازی

عطائی‌انمد‌های آبی و قرمز رنگ از قبل برش خورده و حالا در مسجد امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup>، کنار دست دختران نوجوان قرار گرفته است. با حرکت انگشتان ظریف آن‌ها، دولا به نمدی با دقت و تمرکز به هم دوخت می‌خورند تا در نهایت، با پنبه‌های سفید و نرم پر شوند و به شکل عروسک‌های کوچک آهو، جان بگیرند.

فضای مسجد، فضای متفاوتی است؛ سکوتی آمیخته به نجوای دوستانه و صدایی که مدام راهنمایی می‌کند. بانویی با صبر و حوصله مثال زدنی، کنار بچه‌ها می‌نشیند و برای چندمین بار توضیح می‌دهد که دوخت‌ها باید «دندان موشی» باشد؛ زیرا هم زیباتر است و هم استحکام عروسک را بیشتر می‌کند. او با تأکیدی که نشان از اهمیت موضوع دارد، می‌گوید: دخترها! حواستان باشد؛ این عروسک‌ها قرار است دست زائر امام حسین<sup>(ع)</sup> و دختران عراقی فعال در موکب‌ها برسد. پس باید کارتان درجه یک و بی نقص باشد.

### ● ○ پیوندی از جنس رأفت

ربابه و وظیفه‌دان مسئول دبیرخانه طرح «آهوانه» در سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد است. او توضیح می‌دهد که اجرای طرح آهوانه در مشهد سابقه‌ای ده ساله دارد و نکته شایان توجه این است که هر سال نه تنها تمدید می‌شود، بلکه با استقبال بسیار گسترده‌تری نسبت به سال قبل مواجه می‌شود. او می‌گوید: همین الان



نوجوان ۱۶ ساله شهرک شهید رجایی  
در ۲ رشته ورزشی کاراته و فوتسال مقام آور شده‌است

## عوض کردن زمین بازی نه رؤیاها!

یک فوتسالیست باید روی زمین چمن هم  
تمرین داشته باشد.

### ● ○ چرا فوتسال را کنار گذاشتی؟

فوتسال هنوز هم عشق اول من است. اما واقعیت این است که برای دخترها در مشهد آینه‌روشنی نداشت. اگر می‌خواستیم پیشرفت کنیم باید به تهران می‌رفتیم. اما هم هزینه‌هایش برای خانواده‌مان سنگین بود و هم دوست نداشتم از خانواده دور شوم. به همین دلیل در کلاس نه‌م تصمیم گرفتم مسیر تازه‌ای را در رشته دیگر و کاراته شروع کنم.

### ● ○ در کاراته چه دستاوردی داشتی؟

اولین مسابقه‌ام مهر ۱۴۰۴ در مسابقات قهرمانی سبک کیوکوشین ماتسوشیما بود. با اینکه استرس زیادی داشتم، مقام اول را به دست آوردم. یک ماه بعد هم در مسابقات قهرمانی بانوان سبک کیوکوشین شرکت کردم و دوباره مدال طلا گرفتم.

### ● ○ الان کجا تمرین می‌کنی؟

عضویتیم عقاب‌ها هستم و تمریناتمان در مسجدی واقع در پورسینا، برگزار می‌شود. امکانات زیاد نیست؛ تعداد کیسه‌های تمرین کم است، اما با همین شرایط هم تمرین می‌کنیم.

### ● ○ بزرگ‌ترین آرزویت چیست؟

دوست دارم هم در کاراته به موفقیت‌های بزرگ برسم و هم روزی مربی فوتسال و کاراته شوم. آرزویم این است که از دختران محله‌ام حمایت کنم و نگذارم آن‌ها با همان محدودیت‌ها و حرف‌هایی روبه‌رو شوند که من تجربه کردم. دلم می‌خواهد مسیر برای نسل بعدی ورزشکاران دختر هموارتر از امروز باشد.



### ● ○ بعد از آن مسیرت چطور ادامه پیدا کرد؟

حدود چهار سال در همان سالن تمرین کردم و بعد به تیم مهر عظام رفتم. آنجا تمرین‌ها حرفه‌ای‌تر شد و نگاه من هم به ورزش تغییر کرد. احساس می‌کردم اگر تلاش کنم، می‌توانم آینده خوبی در فوتسال داشته باشم.

### ● ○ در این مسیر با چه سختی‌هایی روبه‌رو بودی؟

بزرگ‌ترین سختی، نگاه جامعه بود. حتی بعضی از اقوام می‌گفتند فوتبال برای دختر نیست! از طرفی به خاطر همین نگاه‌ها، اجازه نداشتم در فضای باز تمرین کنیم. بیشتر تمرین‌های مادر سالن‌های سرپوشیده مثل سالن نصرت برگزار می‌شد، در حالی که



نیکو عقیده‌ای ریحانه برای، سال‌هاست که ورزش حرفه‌ای را با جدیت دنبال می‌کند. او از کودکی عاشق فوتسال بود و با وجود همه محدودیت‌ها و نگاه‌های منفی، توانست قهرمانی را تجربه کند. بعداً برای ساختن آینده‌ای تازه، مسیرش را به سمت کاراته تغییر داد؛ مسیری که خیلی زود با دو مدال طلای پیاپی همراه شد.

### ● ○ از چه زمانی به ورزش علاقه‌مند شدی؟

از کودکی عاشق فوتسال و فوتسال و همیشه مشغول بازی باتوپ فوتبال بودم. حتی یک بار باتوپ، شیشه کمد را شکستم! مادر همیشه دعوا می‌کرد اما در کنارش مشوقم هم بود. می‌فهمیدم از اینکه استعداد دارم خوشحال است و همین حمایت باعث شد علاقه‌ام را جدی‌تر دنبال کنم.

### ● ○ چه شد که به فوتسال روی آوردی؟

کلاس سوم ابتدایی بودم که یک مربی فوتسال برای استعدادیابی به مدرسه آمد. همان روز استعدادم را تشخیص داد و تمریناتم در سالن سرپوشیده ثامن در پنجاه پایین خیابان شروع شد. یک ماه بعد در مسابقات فوتسال دختران مقطع ابتدایی مشهد که به میزبانی آموزش و پرورش ناحیه ۵ برگزار شد، شرکت کردم و مقام اول را به دست آوردم. آن موفقیت انگیزه زیادی به من داد.